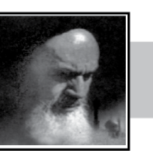
درمکتب امام



سر در آخور طبیعت نکنید

اینهائی که همه توجهشان به این است که چیزی به دست بیاوریم و یک زندگی با رفاه درست کنیم توی آخورِ طبیعت سرشان هست. در آخر هم مثل یک حیوانی که در آخور، سرش هست محسوب می‌شود. شماها باید به اینها بفهمانید که زندگی شرافتمندانه، زندگی است. زندگی انسانی، زندگی شرافتمندانه است. باید شما آنها را از عبودیت غیر خدا باز دارید، و به عبودیت خدا، به بندگی خدا آنها را تربیت کنید.

صحیفه امام؛ ج۱۴؛ ص۳۷ | جماران؛ ۱۰ بهمن ۱۳۵۹

مقاله وارده

ستاد تنظیم بازار جهانی نفت

دکتر علیرضا معشوری

پرسش این است که چرا دقیقا هنگامی که قیمت جهانی نفت افزایش پیدا می‌کند و می‌تواند به عاملی برای افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی بر آمریکا تبدیل شود، برخی مسئولان با اظهارات نسنجیده و غیرضروری پیام‌هایی منتشر می‌کنند که منجر به کاهش قیمت نفت و کم شدن فشار اقتصادی بر آمریکا می‌شود و عملا از التهاب بازار می‌کاهد و به طرف مقابل اطمینان می‌دهد که قرار نیست از ظرفیت‌های موجود برای افزایش هزینه‌های جنگ با ایران استفاده شود؟ اظهاراتی که ضرورت روشنی در بیان آنها دیده نمی‌شود و حتی گاهی از نظر زمان‌بندی نیز جای تأمل دارد. تکرار چنین رفتاری آن هم در مقاطع حساس و تقریبا با الگویی مشابه، این تصور را ایجاد می‌کند که گویی یک ستاد تنظیم بازار جهانی نفت در ایران تأسیس شده است؛ ستادی که مأموریتش آرام کردن بازار نفت در حساس‌ترین لحظات برای کمک به اقتصاد آمریکاست!

بازار نفت به شدت تحت تأثیر انتظارات و ارزیابی فعالان اقتصادی از آینده است. قیمت نفت فقط بر اساس میزان عرضه و تقاضای موجود تعیین نمی‌شود و احتمال اختلال در عرضه، سطح تنش‌های ژئوپلیتیکی و پیش‌بینی تحولات آینده نیز در آن نقش دارند. هنگامی که احتمال افزایش تنش یا اختلال در مسیرهای انتقال انرژی مطرح می‌شود بازار بخشی از این ریسک را در قیمت‌ها منعکس می‌کند. هر اظهار نظری که کمترین نشانه‌ای از کاهش تنش داشته باشد ممکن است بخشی از ریسک ادراک‌شده در بازار جهانی نفت را کاهش دهد. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری دارد که گوینده، مقام رسمی یک کشور باشد. یک جمله ساده می‌تواند فراتر از مرزهای رسانه‌ای عمل کند و در محاسبات معامله‌گران، مؤسسات مالی و تصمیم‌گیران اقتصادی بازتاب پیدا کند. در این شرایط چرا باید پیش از آنکه آمریکا بیشتر و بیشتر با پیامدهای اقتصادی این جنگ مواجه شود، با اظهاراتی غیرضروری به کاهش نگرانی بازار کمک کرد؟ آیا دستگاه سیاست خارجی از این واقعیت غافل است که مدیریت پیام و زمان‌بندی اظهارات رسمی دارای چه اهمیتی است؟

برای درک اهمیت این مسئله باید به ماهیت فشار اقتصادی ناشی از افزایش قیمت نفت در داخل آمریکا توجه کرد. افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی به افزایش قیمت بنزین، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل، رشد هزینه تولید و افزایش فشار معیشتی بر خانوارهای آمریکایی منجر می‌شود. قیمت سوخت در آمریکا با زندگی روزمره شهروندان، انتظارات تورمی، رضایت عمومی و ارزیابی سیاسی عملکرد دولت ارتباط دارد. همان طور که در انتخابات اخیر آمریکا شاهد بودیم، افزایش قیمت بنزین می‌تواند به مسئله‌ای انتخاباتی و سیاسی تبدیل شود و دولت مستقر را در برابر افکار عمومی تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل آمریکا همواره نسبت به تحولات بازار انرژی و پیامدهای داخلی آن حساسیت ویژه‌ای دارد. از این نظر افزایش قیمت نفت می‌تواند هزینه سیاست‌های جنگی آمریکا را از سطح سیاست خارجی به عرصه سیاست داخلی این کشور منتقل کند.

برای ایران که با محدودیت‌های اقتصادی و نظامی روبه‌رو است چنین ظرفیتی اهمیت راهبردی دارد. موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تسلط بر بخش مهمی از انرژی جهان این امکان را فراهم می‌کند که در محاسبات امنیت انرژی و ارزیابی ریسک بازار نقشی مهم داشته باشد. همین ظرفیت حتی بدون اقدام عملی هم می‌تواند در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان اثرگذار باشد. از این رو سخنان مسئولان درباره احتمال تشدید یا کاهش تنش نباید بدون توجه به پیامدهای اقتصادی و راهبردی آنها مطرح شود.

باید به این نکته توجه داشت که افزایش قیمت نفت و تبعات اقتصادی آن، تنها سلاحی است که برد آن به خاک آمریکا می‌رسد و می‌تواند هزینه جنگ با ایران را به طور ملموس به درون جامعه آمریکا منتقل کند. بسیاری از ابزارهای فشار متقابل در سطح نظامی، دیپلماتیک یا منطقه‌ای باقی می‌مانند و تاثیر آنها بر زندگی روزمره شهروند آمریکایی ممکن است غیرمستقیم یا محدود باشد؛ اما افزایش قیمت سوخت برخلاف بسیاری از این ابزارها می‌تواند مستقیما در جایگاه‌های بنزین، هزینه رفت‌وآمد، قیمت کالاها و سبد مصرفی خانوار آمریکایی ظاهر شود. از این جهت نفت برای ایران فقط یک موضوع تجاری نیست؛ نفت یک سلاح و مؤلفه‌ای مهم در بازدارندگی اقتصادی و ژئوپلیتیکی است.

نگرانی مهم‌تر آن است که تکرار چنین اظهاراتی ممکن است در ذهن طرف مقابل این برداشت را ایجاد کند که ایران در مدیریت پیام‌های راهبردی خود دچار ناهماهنگی است یا برخی مسئولان بدون در نظر گرفتن منافع کلان کشور صرفا بر اساس ملاحظات کوتاه‌مدت سخن می‌گویند. چنین برداشتی می‌تواند محاسبات طرف مقابل را تغییر دهد. اگر آمریکا به این نتیجه برسد که در لحظات حساس بخشی از پیام‌های رسمی ایران به کاهش نگرانی بازار کمک می‌کند، از این وضعیت در مدیریت انتظارات بازار نفت و جنگ بهره خواهد برد. به عبارت دیگر حتی اگر هیچ هماهنگی یا قصدی برای کمک به طرف مقابل وجود نداشته باشد، نتیجه عملی این رفتار نسنجیده به سود طرف مقابل تمام می‌شود.

مسئله این نیست که ایران باید به دنبال افزایش قیمت نفت باشد یا از هرگونه کاهش تنش جلوگیری کند. در حقیقت مسئله اصلی در این‌جا تکرار مکرر برخی اظهارات آن هم دقیقا در مقاطعی است که قیمت نفت در مسیر صعودی قرار می‌گیرد و هزینه‌های انرژی در اقتصاد آمریکا افزایش می‌یابد. هر یک از این اظهارات ممکن است به تنهائی از نظر گوینده آن توجیهی داشته باشد اما مسئله اصلی زمان انتشار و تأثیر این اظهارات است. باید توجه داشت که کاهش یا افزایش تنش، نحوه بیان مواضع و زمان انتشار پیام‌ها باید تابع یک محاسبه جامع از منافع ملی باشد نه حاصل واکنش‌های فردی یا تمایل برخی مسئولان به اظهار نظر سریع. اگر افزایش قیمت نفت در مقطعی بتواند بخشی از هزینه سیاست‌های خصمانه آمریکا را به اقتصاد داخلی این کشور منتقل کند طبیعی است که هیچ مقام مسئولی نباید بدون ضرورت با اظهارات خود به کاهش این فشار کمک کند. در شرایطی که ایران برای حفظ منافع خود به ابزارهای متنوع نیاز دارد بی‌دقتی در مدیریت همین ابزارهای محدود، خطائی راهبردی خواهد بود.

یادداشت روز

الزامات پیروزی در ماراتُن جنگ

ادامه از صفحه ۲

اعتقاد و التزام مدیران به رویکرد اصولی رهبر انقلاب، از الزامات فرونشاندن تنش‌ها و اختلافات در حوزه سیاست داخلی است و بدون آن نمی‌توان از ملت شبیخون‌خورده از دشمن در وسط مذاکرات، توقع همدلی و همراهی داشت. سرمایه اعتماد مردم را باید با رعایت الزامات مذکور در بالا پاس داشت و همان را زرادخانه پایان‌ناپذیر دفاع و تهاجم در برابر دشمن کرد.

۱۰) نقش نظارتی مجلس در سوق دادن مدیران به انجام تکالیف حاکمیتی باید احیا گردد و مجلس شورای اسلامی، از سایه مذاکراتی که در مقطعی موقتاً بر دوش رئیس مجلس گذاشته شد، خارج شود. شأن خطیر مجلس، نباید لوث و حاشیه‌ای شود. دستگاه قضایی هم تکالیف حاکمیتی مهمی دارد که نباید به حاشیه بیفتد. دو قوه هر کدام شأن حاکمیتی مستقلی دارند که به‌علاوه دولت، ذیل هدایت راهبردی رهبری هماهنگ می‌شوند، نه ذیل هیچ جایگاه دیگر. از طرف دیگر، نمی‌توان درگیر جنگ ترکیبی بود و در عین حال، معابر دستکاری دشمن و سرانگشتان نفوذ در عرصه رسانه و فرهنگ و اقتصاد گشوده باشد. در این باره باید وزیران فرهنگ و ارتباطات و علوم پاسخگو باشند و تغییر رویکرد جدی بدهند. این هم از الزامات استقامت در برابر جنگ ترکیبی دشمن است.

محمد ایمانی

گزارش روز دویست و پنجاه و چهارم جنگ

وزیر خزانه‌داری آمریکا به غلط کردن افتاد

سه کشتی در برابر یک کشتی؛ ایران چند برابر پاسخ می‌دهد

روز دویست و پنجاه و چهارم از جنگ با شنیده شدن صدای انفجار در مناطق جنوبی کشور آغاز شد. بامداد ۱۷ آبان، ابتدا برخی رسانه‌های محلی از شنیده شدن صدای انفجار در قشم، جاسک، بندرعباس و سیریک خبر دادند. اندکی بعد همین خبر در رسانه‌های رسمی نیز منتشر شد. در کنار این اخبار، خبر دیگری به نقل از منابع آگاه منتشر شد که صداهای شنیده‌شده را ناشی از شلیک سپاه پاسداران به سمت کشتی‌های متخلف در تنگه هرمز عنوان می‌کرد.

آنچه به‌صورت قطعی می‌توان گفت، یک کشتی تجاری ایرانی در تنگه هرمز هدف حمله نیروهای تروریستی سنتکام قرار گرفت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز از بامداد ۱۷ آبان تا ظهر همان روز از هدف قرار گرفته شدن سه نفتکش در تنگه هرمز خبر داد. روابط عمومی سپاه پاسداران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «این نفتکش‌ها به دلیل خاموش نمودن سامانه‌های ناوبری و شناسایی خود و شرارت ارتش قاچاقچی و متجاوز آمریکا در آتش در حال سوختن هستند.»

«دروازه آهنین» یعنی اعتراف به شکست آمریکا در محاصره

شب گذشته همچنین فرماندهی نیروهای تروریستی سنتکام از طرحی با نام «دروازه آهنین» علیه ایران خبر داد. به گزارش رویترز هدف از این طرح راه‌اندازی کارگروه جدیدی در تامپای فلوریدا است که هدف آن مقابله با انتقال تسلیحات پیشرفته، فناوری‌های دوگانه و منابع مالی ایران از طریق مرزهای زمینی و دریای خزر است. آمریکایی‌ها بعد از شکست در عملیات «خشم حماسی» و «طرد اقتصادی» حالا هوس شکستی دیگر کرده‌اند و عملیات جدیدی به نام «دروازه آهنین» راه انداخته‌اند. بی‌جهت نبود که کارشناس شبکه عربی الجزیره راه‌اندازی این عملیات را نوعی اعتراف آمریکا به شکست اقدامات پیشینش در محاصره ایران خواند.

سردار محبی سخنگوی سپاه پاسداران نیز این اقدام آمریکا را صرفاً بازی با کلمات خواند و گفت: «طرح «دروازه آهنین» صرفاً بازی با الفاظ است و آمریکایی‌ها نمی‌توانند از این طریق به هدف خود، یعنی اعمال فشار شدید اقتصادی برای فروپاشی و متلاشی کردن اقتصاد ایران دست پیدا کنند.»

در همین زمینه پروفسور استیو هانکه، استاد اقتصاد دانشگاه جانز هاپکینز و مشاور اقتصادی پیشین دولت ریگان در مصاحبه‌ای اینترنتی گفت تشدید تنش یا محاصره دریایی تنها به تضعیف موقعیت واشنگتن و گسترش ناامنی منجر شده است؛ بنابراین طرح «دروازه آهنین» یا عملیات نظامی جدید، ایران را تسلیم نمی‌کند و صرفاً خروج آمریکا را پرهزینه‌تر خواهد ساخت.

رابین بروکس، اقتصاددان و تحلیلگر آمریکایی نیز نظری مشابه پروفسور هانکه داشت و نوشت: «وقت آن رسیده است که ضررهایمان در قبال ایران را بپذیریم و به این درگیری پایان دهیم. حتی اثربخشی محاصره دریایی نیز رو به کاهش است.»

وزیر خزانه‌داری آمریکا به غلط کردن افتاد

در روز دویست و پنجاه و چهارم از جنگ آمریکا یک عقب‌نشینی و شکست بی‌سروصدای دیگر هم داشت. همین چند ماه پیش بود که اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا با گنده‌گویی از فروپاشی اقتصاد ایران و درنتیجه شکست ایران خبر داد و حتی برای آن زمان تعیین کرد. نه‌تنها پیش‌بینی احمقانه وزیر خزانه‌داری آمریکا محقق نشد، اوضاع برخلاف مسیری که او پیش‌بینی کرده بود پیشرفت و با فشاری که ایران از طریق تنگه هرمز بر آمریکا اعمال کرد دولت ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا شکست سخت و بی‌سابقه‌ای خورد. حالا ظاهراً همان وزیر خزانه‌داری آمریکا به غلط کردن افتاده است.

روزنامه واشنگتن‌پست نوشت اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری ترامپ از چین خواسته است از نفوذ خود بر ایران برای پایان دادن به جنگ استفاده کند. به نوشته این روزنامه آمریکایی: «پس از شکست سیاسی تکان‌دهنده هفته گذشته در داخل آمریکا، دولت ترامپ در جست‌وجوی راه‌های تازه‌ای برای پایان دادن به جنگ‌های فاجعه‌بار در اوکراین و ایران است. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، با حمایت ترامپ با چین تماس گرفته و از پکن خواسته است از نفوذ خود بر ایران برای پایان دادن به جنگ استفاده کند.»

واشنگتن‌پست مدعی است چین این پیام را به تهران منتقل کرده است؛ اما هم‌زمان نشریه آمریکایی فارن‌پالیسی می‌نویسد بعید است چین کمکی به ترامپ در این زمینه کند: «چین برای نجات ترامپ از جنگی که در آن ناکام مانده، وارد میدان نخواهد شد.»

چهره بازنده‌ها کاملاً مشخص شده

حماقت ترامپ در آغاز جنگی که حالا بیش از ۸ ماه است درگیر آن شده دیگر بر کسی پوشیده نیست. روزنامه صهیونیستی هاآرتص نیز روز گذشته به همین اشاره کرد و حتی راه‌اندازی مجدد جنگ را نیز اشتباه راهبردی تازه‌ای خواند. هاآرتص نوشت: «برخلاف ادعاهای مکرر درباره «پیروزی کامل» و خسارت‌های عظیم واردشده، حکومت ایران تسلیم نشده، همچنان پابرجاست و ظرفیت حمله به اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه را حفظ کرده است. دور بعدی درگیری نیز الزاماً در مرزهای ایران و اسرائیل محدود نخواهد ماند... تهران می‌تواند زیرساخت‌ها، شبکه‌های ارتباطی و دارایی‌های راهبردی در سراسر خلیج فارس را هدف بگیرد.»

روز دویست و پنجاه و چهارم جنگ یک خبر جالب دیگر هم داشت و آن هم آغاز روزهای بد برای نتانیاهو بود. رئیس رژیم صهیونیستی از گادی آیزنکوت، رقیب نتانیاهو خواست تا دولت رژیم صهیونیستی را تشکیل دهد. هرتزوگ این درخواست را به توصیه ۶۷ عضو کنست (مجلس) رژیم صهیونیستی انجام داد که به جای نتانیاهو خواستار نخست‌وزیری آیزنکوت شده بودند. فقط ۴۶ نفر از اعضای کنست از نتانیاهو برای نخست‌وزیری حمایت کردند که اختلافی چشمگیر و معنادار بود. ظاهراً قرار است بعد از ترامپ، نتانیاهو هم طعم تلخ شکست سیاسی را بچشد.

لری جانسون تحلیلگر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در واکنش به این تغییر می‌نویسد: «آیزنکوت کبوتر صلح نیست. او رئیس پیشین ستاد کل ارتش اسرائیل است و پسر و برادرزاده‌اش را در جنگ غزه از دست داد. او همچنان از فشار اقتصادی بر ایران و اقدام نظامی محدود حمایت می‌کند. اما رویکردش در سه زمینه مهم با نتانیاهو متفاوت است.»

جانسون موضوع ایران را یکی از این تفاوت‌ها دانست و گفت: «نتانیاهو امسال را صرف کارزار برای تغییر رژیم در تهران و لابی با واشنگتن برای حملات بیشتر کرد. آیزنکوت گفت فقط از اقدام نظامی علیه تهدیدهای مستقیم و فوری علیه اسرائیل حمایت می‌کند. او سال‌ها پیش خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را یک اشتباه راهبردی خوانده بود.»

هر روز که از جنگ می‌گذرد چهره بازنده بیش از پیش مشخص می‌شود و در روز دویست و پنجاه و چهارم از جنگ حتی با ضعیف‌ترین چشم‌ها هم می‌شود بازندگان جنگ را دید.

محمد جواد لاریجانی:

بازدارندگی مطلق یعنی اقدام علیه ایران پاسخ شدید می‌گیرد

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی گفت: بازدارندگی مطلق یعنی اگر کسی بخواهد علیه رهبر انقلاب یا مقامات عالی‌رتبه کشور ما عملیات ترور انجام دهد، باید بداند که در خانه خودش با اقدامی مشابه مواجه خواهد شد.

محمدجواد لاریجانی، رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی در گفت‌وگوی ویژه خبری با بیان اینکه علت شکست ترامپ و جمهوری‌خواهان در انتخابات، نگرانی از تجاوز آمریکا به ایران و جنایات صورت‌گرفته در جریان این حمله نبوده است، افزود: در آمریکا مسئله اصلی این نیست که به ایران تجاوز شده، دانشمندان و کودکان ایرانی به شهادت رسیده‌اند یا جنایاتی علیه مردم ایران صورت گرفته است؛ بلکه مسئله این است که چرا ترامپ نتوانست پیروز شود. این موضوع نشان می‌دهد که پیروزی ایران و ناکامی آمریکا در تحقق اهدافش، به مسئله‌ای مهم در معادلات سیاسی این کشور تبدیل شده است.

کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به ارزیابی مشاوران نظامی ترامپ از پیامدهای حمله به ایران ادامه داد: پیش از انتخابات، برخی تصور می‌کردند که ایجاد تنش و انجام عملیات نظامی می‌تواند برای ترامپ یک پیروزی به همراه داشته باشد؛ اما مشاوران نظامی او هشدار داده بودند که حمله به ایران به معنای گرفتار شدن بیشتر در باتلاق جنگ است و آمریکا نمی‌تواند پس از حمله، به‌سادگی از پیامدهای آن خارج شود. به اعتقاد من، یکی از دلایل حمله نکردن مجدد آمریکا این بود که نمی‌توانست دستاوردی را که مدنظر داشت، تثبیت کند و آن را به‌عنوان یک پیروزی به افکار عمومی خود بفروشد.

لاریجانی با بیان اینکه دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در اصل تجاوز نظامی به ایران اختلاف بنیادینی ندارند، تصریح کرد: هر دو جریان در این موضوع با یکدیگر همسو هستند، اما در جامعه آمریکا بخشی از نسل جدید و گروهی از افراد فرهیخته نسبت به حمله به ایران، کشتار مردم و حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی حساسیت نشان داده‌اند. چنین حساسیتی در جامعه‌ای که بخش قابل توجهی از مردم آن بیشتر درگیر مسائل روزمره زندگی هستند، قابل توجه است و می‌تواند نشانه‌ای از تحولات فکری در بخشی از جامعه آمریکا باشد.

وی با اشاره به تنگه هرمز به‌عنوان یکی از این نقاط حساس اظهار کرد: یکی از موضوعاتی که هر دو جریان سیاسی آمریکا با آن مسئله دارند، این است که تنگه هرمز تحت مدیریت و اختیار ایران باقی بماند. در شرایط فعلی، حضور تجهیزات نظامی در نزدیکی تنگه هرمز با محدودیت روبه‌رو شده و ایران توانسته است مدیریت این منطقه را به نمایش بگذارد. این وضعیت نشان داده است که مدیریت تنگه هرمز تا چه اندازه اهمیت راهبردی دارد و می‌تواند جایگاه ویژه‌ای برای ایران ایجاد کند.

لاریجانی موضوع هسته‌ای را از دیگر محورهای مشترک مورد نظر دو حزب آمریکا دانست و افزود: در موضوع هسته‌ای نیز هر دو جریان به دنبال محدود کردن توانمندی‌های ایران هستند و حتی در چارچوب توافق برجام نیز خواسته‌هایی فراتر از آن مطرح می‌شد. بنابراین، اختلاف اصلی آن‌ها بر سر چگونگی پیشبرد این اهداف و شیوه مواجهه با ایران است.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با اشاره به تغییر رویکرد راهبردی ایران در حوزه نظامی اظهار کرد: با راهبردهای جدیدی که مقام معظم رهبری بیان کرده‌اند، افق عملیات نظامی ایران از یک وضعیت تدافعی محدود به سمت رویکردی تهاجمی‌تر و با محدودیت جغرافیایی کمتر حرکت کرده است. طرف مقابل نسبت به پیامدهای چنین تغییری نگران است و همین مسئله در محاسبات آن‌ها درباره حمله مجدد به ایران تأثیر گذاشته است.

لاریجانی با تأکید بر ضرورت ایجاد بازدارندگی مطلق برای کشور افزود: بازدارندگی مطلق باید هدف نهائی ما باشد؛ هرچند ممکن است در مذاکرات و تحولات جاری به‌طور کامل محقق نشود، اما باید در مسیر دستیابی به آن حرکت کنیم. معنای این بازدارندگی آن است که هر طرفی که قصد انجام عملیات ترور علیه رهبران و مقام‌های عالی ایران را داشته باشد، بداند با پاسخی متناسب و در همان سطح روبه‌رو خواهد شد و در خانه خودش با اقدامی مشابه مواجه خواهد شد. همچنین باید توانمندی موشکی ایران به‌گونه‌ای باشد که نقاط مختلفی را در عمق جغرافیایی طرف مقابل پوشش دهد و محاسبات آن‌ها را تغییر دهد.

وی اظهار داشت: با توجه به راهبرد جدید ایران و نبود محدودیت جغرافیایی در پاسخ به تهدیدها، پایگاه‌هایی که از آن‌ها برای حمله به ایران استفاده شود، ممکن است در معرض پاسخ قرار گیرند؛ از جمله پایگاه‌های آمریکا در آلمان، آلبانی یا انگلیس. دولت‌های میزبان نیز باید بدانند که نباید اجازه دهند از خاک و امکانات کشورشان برای حمله به ایران استفاده شود.

رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی با بیان اینکه هدف از بازدارندگی پایدار، افزایش هزینه حمله به ایران است، گفت: منظور از بازدارندگی مطلق این نیست که صرفاً برای مدتی کوتاه از حمله جلوگیری شود؛ بلکه باید شرایطی ایجاد کنیم که هر کشوری برای حمله به ایران ناچار باشد محاسباتی طولانی و پیچیده انجام دهد و هزینه‌های چنین اقدامی را به‌روشنی در نظر بگیرد. این مسئله برای امنیت کشور بسیار مهم است.

لاریجانی با اشاره به کاربردهای غیرتسلیحاتی فناوری هسته‌ای در حوزه‌های نظامی و صنعتی ادامه داد: استفاده از فناوری هسته‌ای صرفاً به ساخت بمب محدود نمی‌شود. برای نمونه، در پروژه‌های پیشرفته ممکن است به سوخت با غنای بالاتر از ۶۰ درصد نیاز باشد. کشتی‌های مجهز به پیشران هسته‌ای می‌توانند ماه‌ها بدون نیاز به سوخت‌گیری در دریا حرکت کنند و حتی امکان انجام برخی فعالیت‌های صنعتی و فرآوری محصولات در آن‌ها وجود دارد. این‌ها از جمله کاربردهایی است که کشور باید بتواند برای توسعه آن برنامه‌ریزی کند.

وی بیان داشت: حتی در حوزه هواپیماهای دوربرد نیز استفاده از پیشران هسته‌ای می‌تواند امکان پرواز در مسافت‌های بسیار طولانی را فراهم کند. استفاده از سوخت هسته‌ای در چنین سامانه‌هایی به معنای ساخت سلاح اتمی نیست. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که ایران از حق توسعه این فناوری‌ها محروم باشد یا صرفاً به غنی‌سازی در سطحی محدود بسنده کند.

کارشناس مسائل سیاسی با تفکیک میان کاربردهای نظامی فناوری هسته‌ای و هدف قرار دادن غیرنظامیان اظهار کرد: استفاده نظامی از فناوری هسته‌ای لزوماً به معنای ساخت بمبی برای انداختن بر سر مردم و کشتار جمعیت غیرنظامی نیست. حتی در حوزه تسلیحات نیز می‌توان درباره کاربردهای تاکتیکی و هدف قرار دادن مراکز و پایگاه‌های نظامی سخن گفت. ما می‌توانیم پایگاه نظامی‌ای را که از آن علیه کشورمان عملیات انجام می‌شود، هدف قرار دهیم.

لاریجانی با اشاره به مخالفت آمریکا و کشورهای غربی با توسعه فناوری هسته‌ای ایران گفت: طرف مقابل می‌گوید ایران باید غنی‌سازی را کاهش دهد و حتی مواد غنی‌شده خود را رقیق کند؛ در حالی که ما برای برنامه‌های توسعه‌ای آینده، از جمله ساخت زیردریایی، کشتی و هواپیماهای مجهز به پیشران هسته‌ای، به این فناوری نیاز داریم. اینکه طرف مقابل بخواهد درباره نیازهای توسعه‌ای ایران تصمیم بگیرد، پذیرفتنی نیست. ما خودمان مسئول برنامه توسعه کشور هستیم و باید بر اساس نیازها و اولویت‌های ملی تصمیم بگیریم.

به گزارش فارس، وی با تأکید بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران نباید به موضوع چانه‌زنی با آمریکا تبدیل شود، گفت: مقام معظم رهبری و رهبر شهید انقلاب تأکید کرده‌اند که موضوع هسته‌ای نباید در مذاکرات با آمریکا به محور چانه‌زنی تبدیل شود. با این حال، طرف مقابل تلاش می‌کند این موضوع را وارد مذاکرات کند و درباره میزان غنی‌سازی و جزئیات فعالیت‌های هسته‌ای ایران مذاکره کند. ما نباید اجازه دهیم اصل برخورداری از فناوری هسته‌ای به موضوعی برای چانه‌زنی تبدیل شود.

لاریجانی با انتقاد از آنچه تردید در مواضع برخی مسئولان درباره حمایت از مقاومت خواند، افزود: ما نباید در دفاع از جبهه مقاومت دچار تردید یا لکنت زبان شویم. طرف مقابل بدون هیچ ملاحظه‌ای از رژیم صهیونیستی و مقام‌های آن حمایت می‌کند، در حالی که ما باید در دفاع از مردم مظلوم و نیروهای مقاوم منطقه، صریح و روشن موضع بگیریم.

واکنش ایران به حملات خونین در یمن توقف تجاوز و محاصره ضروری است

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با صدور بیانیه‌ای «حملات هوائی به زیرساخت‌های مدنی و مناطق غیرنظامی» یمن را شدیداً محکوم کرد.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه (۱۷ آبان‌ماه) با صدور بیانیه‌ای ضمن تاکید بر موضع اصولی ایران در محکومیت نقض حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی یمن، تأکید کرد: «تداوم تجاوز به حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی یمن، و محاصره اقتصادی و هوائی این کشور، مغایر با حقوق بین‌الملل و آموزه‌های اسلامی است».

در ادامه این بیانیه آمده است: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، به طور خاص حملات هوائی به زیرساخت‌های مدنی و مناطق غیرنظامی، از جمله حملات هوائی مورخ ۱۵ آبان (۶ نوامبر) به بازار عمومی الحضاره در منطقه الوزاعیه استان تعز یمن که منجر به شهادت ۳۳ یمنی بی‌گناه از جمله ۱۳ کودک معصوم و مجروح‌شدن ده‌ها نفر دیگر شد، همچنین حملات هوائی به روستای الشریه در شهرستان بنی‌حشیش در شرق استان صنعا که منجر به شهادت ۳۳ نفر از جمله چندین کودک و زن گردید و نیز هدف قرار دادن اعضای تیم رسانه‌ای شبکه المسیره یمن در حین فعالیت خبری، را شدیداً محکوم می‌کند. این حملات نه تنها آشکارا خلاف بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل است بلکه نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشردوستانه و مصداق جنایت جنگی است.

به گزارش ایرنا، این بیانیه در پایان تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران خاطرنشان می‌کند که درگیری میان عربستان و یمن باید هرچه سریع‌تر با گفت‌وگوی بین طرفین بر مبنای نقشه راه تفاهم شده بین آنها پایان یابد و لازمه این امر توقف فوری حملات نظامی، پایان کامل محاصره و احترام به حق تعیین سرنوشت مردم یمن است.

ژنرال صهیونیست:

هرگونه حمله به ایران اسرائیل را به فاجعه می‌کشاند

ژنرال ذخیره ارتش رژیم اشغالگر با هشدار درباره ازسرگیری حملات هوائی علیه ایران تأکید کرد که چنین اقدامی می‌تواند به‌سرعت آتش یک جنگ منطقه‌ای فراگیر را شعله‌ور کند و خساراتی عظیم و جبران‌ناپذیر به اسرائیل وارد سازد.

اسحاق بریک، ژنرال ذخیره ارتش رژیم اشغالگر در مقاله‌ای در روزنامه عبری «معاریو» نوشت که دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ واقعیتی کاملاً متفاوت از وعده‌های او را آشکار کرده است؛ چراکه جنگ‌ها همچنان ادامه دارند، بحران‌های اقتصادی تشدید شده‌اند و به‌جای رونق اقتصادی وعده‌داده شده، اقتصاد جهانی با وخامت روبه‌رو است.

به گفته وی، نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و از دست رفتن کنترل کنگره از سوی جمهوری‌خواهان نیز نشان‌دهنده نارضایتی عمومی از سیاست‌های ترامپ و کاهش اعتماد به توانایی او برای حل بحران‌هاست.

بریک افزود که رئیس‌جمهور آمریکا اکنون در برابر تصمیم‌های سرنوشت‌سازی درباره جنگ با ایران قرار دارد؛ در حالی که در دولت او بر سر نحوه برخورد با این مسئله اختلافات شدیدی وجود دارد و راهبردی واحد برای مدیریت تحولات درگیری‌ها شکل نگرفته است.

این ژنرال ذخیره تصریح کرد که اختلافات در کاخ سفید عمدتاً بر سر دو گزینه متمرکز است: نخست، گسترش حملات نظامی علیه ایران با هدف دستیابی به پیروزی از طریق قدرت نظامی و دوم، ادامه فشارهای اقتصادی و تلاش برای دستیابی به توافقی که به جنگ پایان دهد و مانع تشدید تنش‌ها شود.

وی در عین حال تاکید کرد که تصمیم‌های ترامپ صرفاً تحت تأثیر محاسبات نظامی و سیاسی نیست و احساس تحقیر شدن از سوی ایران نیز ممکن است او را به اتخاذ تصمیمی تلافی‌جویانه برای حمله سوق دهد. بریک هشدار داد که تصمیم‌گیری نظامی بر اساس چنین انگیزه‌هایی می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای کل منطقه داشته باشد؛ به‌ویژه اگر اسرائیل نیز در حملات جدید مشارکت کند.

خسارات عظیم به اسرائیل در صورت حمله مجدد به ایران

بریک تأکید کرد که انجام حمله هوائی دیگری علیه ایران، با احتمال مشارکت اسرائیل، می‌تواند به‌سرعت به وقوع جنگی منطقه‌ای و گسترده منجر شود که اسرائیل در مرکز آن قرار خواهد داشت.

وی اذعان کرد خساراتی که اسرائیل در چنین جنگی متحمل می‌شود، «عظیم و غیرقابل تحمل» خواهد بود و بخشی از خسارات واردشده به این رژیم در درگیری‌های قبلی نیز دیگر قابل جبران نیست.

او از افراد به گفته خودش «عاقل و مسئولیت‌پذیر» در دولت آمریکا خواست ترامپ را از تصمیم برای آغاز حمله‌ای جدید منصرف کنند و هشدار داد که تشدید تنش‌ها می‌تواند زمینه‌ساز درگیری‌ای فراتر از جنگ کنونی شود.

این ژنرال اسرائیلی همچنین تأکید کرد اتکا به حملات هوائی برای دستیابی به پیروزی نظامی علیه ایران، برآوردی غیرواقع‌بینانه است؛ زیرا عملیات هوائی به‌تنهائی و بدون مداخله زمینی نمی‌تواند نظام ایران را تغییر دهد یا مانع تبدیل شدن ایران به یک کشور هسته‌ای شود. وی با اشاره به نتایج حملات پیشین گفت این حملات اهداف راهبردی خود را محقق نکرده و صرفاً به تخریب‌هایی موقت منجر شده‌اند، در حالی که انگیزه تهران برای ادامه توسعه توانمندی‌هایش را افزایش داده‌اند.

دو گزینه پیش روی آمریکا و هزینه‌های سنگین جنگ

بریک در بررسی گزینه‌های پیش روی واشنگتن برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، دو مسیر اصلی را مطرح کرد که هیچ‌یک بدون پرداخت هزینه‌های سنگین به نتیجه نخواهد رسید.

گزینه نخست، اجرای یک عملیات زمینی گسترده در داخل خاک ایران با هدف قرار دادن مستقیم تأسیسات هسته‌ای است؛ عملیاتی که به مشارکت نیروهای نظامی گسترده، پشتیبانی هوائی سنگین و استفاده از توانمندی‌های فناوری و اطلاعاتی نیاز دارد. به اعتقاد بریک، این گزینه ممکن است امکان دستیابی به پیروزی نظامی علیه نظام ایران و از کار انداختن تأسیسات هسته‌ای آن را فراهم کند، اما مستلزم عملیاتی بسیار بزرگ خواهد بود که تلفات انسانی سنگینی را در میان نیروهای آمریکایی به دنبال خواهد داشت.

گزینه دوم، فرسوده کردن اقتصاد ایران از طریق اعمال تحریم‌های شدید و محاصره‌ای طولانی‌مدت با مشارکت کامل کشورهای غربی است. هدف از این راهبرد، قطع ارتباط اقتصاد ایران با بازارهای جهانی است. بریک در این زمینه بر ضرورت جلوگیری از صادرات نفت، گاز و سایر محصولات ایران و همچنین محدود کردن ورود مواد اولیه و تسلیحات از مرزهای زمینی تأکید کرد. با این حال، وی اذعان داشت که احتمال موفقیت این گزینه از عملیات زمینی کمتر است و اجرای آن به صبر طولانی، انضباط بین‌المللی و تعهد گسترده کشورهای غربی نیاز دارد.

بریک در مقابل، اتکا به راه‌حل میانه مبتنی بر تکرار حملات هوائی را رد کرد و گفت این رویکرد نه برنامه هسته‌ای ایران را متوقف می‌کند و نه به پیروزی نظامی منجر می‌شود، بلکه ممکن است اسرائیل را وارد جنگی منطقه‌ای کند که بهای سنگینی برای آن خواهد داشت.

به گزارش فارس، وی در پایان مقاله خود خواستار کنار گذاشتن اتکا به وعده‌های سیاسی و نمایش قدرت هوائی شد و هشدار داد تصمیم‌گیری‌های نظامی با انگیزه‌های انتقام‌جویانه و بدون ارزیابی پیامدهای آن‌ها، به‌جای حل بحران، می‌تواند آن را تشدید کند.

ایزدی:

برخی اظهارات اصلاح‌طلبان مقدمه‌ساز جنگ بعدی است

استاد دانشگاه مطالعات جهان تهران با اشاره به برخی اظهارات اصلاح‌طلبان معتقد است: این مواضع، به‌جای تقویت بازدارندگی، می‌تواند زمینه‌ساز محاسبات اشتباه دشمن و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری دور تازه‌ای از جنگ باشد.

نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و تصاحب اکثریت هر دو مجلس سنا و نمایندگان توسط دموکرات‌ها، معادلات سیاسی دو سال پایانی ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ را دگرگون کرده است. با توجه به اینکه مخالفت با جنگ علیه ایران از موضوعات اصلی رقابت‌های انتخاباتی بود، این تغییر آرایش سیاسی پرسش‌هایی را درباره میزان توانایی کنگره در مهار تصمیمات نظامی کاخ سفید مطرح کرده است.

فواد ایزدی، استاد دانشگاه مطالعات جهان تهران در گفت‌وگو با فارس با تحلیل ساختار قانونی و تفکیک قوا در ایالات متحده خاطرنشان کرد: قانون اساسی آمریکا صراحتاً اختیارات مالی و بودجه‌ای را به قوه مقننه واگذار کرده است.

به گفته این کارشناس مسائل آمریکا، قوه مجریه بدون گرفتن مجوز رسمی از کنگره امکان پرداخت و هزینه کردن هیچ اعتباری را ندارد. تصوراتی مانند تأمین بودجه نظامی از طریق کشورهای ثالث نظیر عربستان از اساس با مبانی قانونی آمریکا ناهمخوان است، چرا که انجام چنین اقداماتی نیز قانوناً نیازمند مصوبه و مجوز صریح کنگره خواهد بود.

این استاد دانشگاه با تبیین مکانیسم حق وتوی رئیس‌جمهور اضافه کرد: حق وتو زمانی معنا پیدا می‌کند که مصوبه‌ای از سوی سنا و مجلس نمایندگان به میز رئیس‌جمهور رسیده باشد. اگر کنگره اساساً بودجه‌ای برای یک اقدام نظامی تصویب نکند، طرحی برای امضا یا وتو وجود نخواهد داشت و رئیس‌جمهور نمی‌تواند از این ابزار برای فشار به نمایندگان بهره ببرد.

وی با استناد به اظهارات موافقان قطع بودجه جنگ در سنا یادآور شد: در نظام بودجه‌ریزی آمریکا، هرگونه جابه‌جایی اعتبار بدون مجوز مجلس یا هزینه کردن منابع در محلی غیر از موارد تصویب‌شده، تخلف سنگین قانونی محسوب می‌شود که مجازات‌های کیفری و قضائی در پی دارد. تجربه تاریخی ماجراهایی مانند ایران‌کنترا یا توقف جنگ ویتنام نشان داده است که کنگره با ابزار قطع منابع مالی توانسته جلوی ادامه ماجراجویی‌های نظامی قوه مجریه را بگیرد.

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل با هشدار نسبت به ساده‌انگاری تحولات حزبی در آمریکا تاکید کرد: تفاوت دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان صرفاً در روش‌های مواجهه با جمهوری اسلامی است و نباید دچار این خطای محاسباتی شد که دموکرات‌ها دوست ایران هستند. دموکرات‌ها معتقدند روش‌های نظامی و پرهزینه ترامپ نتیجه معکوس داشته و به تقویت قدرتمندی ایران در منطقه انجامیده است، بنابراین هدف نهائی هر دو حزب یکسان بوده و سگ زرد برادر شغال است.

به‌روزرسانی بانک اهداف و ارتقای توان بازدارندگی

استاد دانشگاه مطالعات جهان با ارزیابی راهبردهای اعلام‌شده در بیانات ۱۳ آبان رهبر معظم انقلاب اظهار داشت: این رهنمودها و پیام‌ها اهمیت ویژه‌ای در دگرگون ساختن ارزیابی‌های دستگاه‌های تصمیم‌گیر در واشنگتن دارد. هشدار رهبر انقلاب مبنی بر اینکه ایران بانک اهداف مادی و غیرمادی خود را به‌روزکرده و هیچ محدودیت جغرافیایی برای پاسخ قاطع قائل نخواهد بود، هزینه هرگونه اقدام تجاوزکارانه مجدد را به شدت بالا برده است.

ایزدی با اشاره به سرمایه‌گذاری‌های سنگین چند تریلیون دلاری آمریکا در حوزه جنوب خلیج‌فارس تصریح کرد: زیرساخت‌های نفت و گاز، مراکز داده، کابل‌های زیردریایی و مراکز هوش مصنوعی منطقه در زمره اهدافی هستند که در صورت بروز خطای محاسباتی دشمن، در معرض آسیب جدی قرار خواهند گرفت. ترامپ و همراهانش با هدف جذب سرمایه و کنترل منابع انرژی وارد این تقابل شده‌اند و اگر نهادهای اطلاعاتی آمریکا گزارش دهند که ادامه فشارها ممکن است صدها میلیارد دلار از دارایی‌های آنها را نابود کند، از مسیر خود عقب‌نشینی خواهند کرد.

این کارشناس برجسته مسائل آمریکا یادآور شد: بازدارندگی هسته‌ای و دفاعی در سطح بین‌المللی هزینه حمله را بسیار سنگین می‌کند. نمونه‌های تاریخی نظیر تقابل هند و پاکستان یا مراقبت‌های آمریکا در عدم مواجهه مستقیم با نیروهای دارای توانمندی بالای دفاعی نشان می‌دهد که ایجاد توان بازدارنده جدی، دشمن را ناچار به توقف جنگ‌افروزی می‌سازد.

خطرات پیام‌های چندگانه و نقد مواضع جریان‌های سازشکار

یکی از محورهای مهم در تحلیل پایداری امنیت ملی، حفظ انسجام کلامی و سیاسی میان مقامات و مسئولان مختلف کشور است. بروز رفتارهای دوگانه یا طرح ادبیات متفاوت از سوی برخی چهره‌ها، سیگنال‌های اشتباهی به سرویس‌های اطلاعاتی دشمن منتقل می‌کند.

ایزدی با ابراز نگرانی شدید از مواضع برخی جریان‌های اصلاح‌طلب و حامیان دیپلماسی یک‌طرفه بیان کرد: عقب‌نشینی و ارائه پیام‌های ضعیف نه تنها از دشمنی آمریکا نمی‌کاهد، بلکه طرف مقابل را در پیشبرد اهدافش جری‌تر خواهد کرد. مطرح کردن تعابیری نظیر ایجاد پل پیروزی برای ترامپ یا ایجاد مسیر خروج آبرومندانه، تحلیل‌های انحرافی و نادرستی است که زمینه محاسبات اشتباه واشنگتن را فراهم می‌سازد.

استاد دانشگاه مطالعات جهان با آسیب‌شناسی تجربیات گذشته از جمله توافقات پیشین و خطوط قرمز تعیین‌شده گفت: متأسفانه در دوره‌های گذشته این تصویر غلط در نهادهای اطلاعاتی غرب شکل گرفت که میان مواضع قاطع رهبری و عملکرد برخی مسئولان اجرائی تفاوت وجود دارد. تکرار چنین رویکردی در شرایط کنونی که کشور با تهدیدات مستقیم روبه‌رو است، خطرناک بوده و می‌تواند مقدمه‌ساز جنگ و حملات بعدی آمریکا باشد.

وی با نقد گزاره کلی که همه جنگ‌ها با مذاکره پایان می‌یابند افزود: این شرط تنها زمانی محقق می‌شود که طرف مقابل نیز اراده‌ای برای پایان تقابل داشته باشد. در حالی که ترامپ به دنبال تسلط بر نفت و منابع کشور است و حتی در زمان طرح پیشنهادهای مذاکره، اقدامات خصمانه را متوقف نکرده، دادن امتیازات اقتصادی یا دیپلماتیک بدون دریافت تضمین، متوقف‌کننده جنگ نخواهد بود.

راهبرد اقتصاد متکی بر قدرت و ضرورت شکستن چرخه ناکارآمد مذاکره

این تحلیلگر ارشد بین‌الملل با یادآوری فرمایشات رهبر شهید درباره طمع استعماری آمریکا به منابع، معادلات ژئوپلیتیک و ذخایر نفت و گاز ایران تاکید کرد: راهکار اصلی در برابر این طمع‌ورزی، مایوس‌سازی کامل دشمن و اثبات غیرقابل دسترس بودن این منابع است. آمریکا با هدف کند کردن روند افول اقتصادی خود به دنبال غارت ثروت ملل است و باید در محاسباتش متوجه شود که هزینه چنین اقدامی ویرانگر خواهد بود.

ایزدی با تشریح ظرفیت‌های اقتصادی عظیمی همچون تنگه هرمز خاطرنشان کرد: بهره‌برداری هوشمندانه از توانمندی‌های منطقه‌ای می‌تواند درآمدهای اقتصادی بالایی برای کشور ایجاد کند که حتی از درآمدهای نفتی فراتر رود.

به گزارش فارس، وی تاکید کرد: نباید حواس کشور به موضوعات فرعی مانند واردات برخی کالاهای خاص پرت شود، بلکه اولویت اصلی شورای عالی امنیت ملی و کلیه مسئولان باید شکستن چرخه ناکارآمد حمله، آتش‌بس و مذاکره باشد.

کارشناس مسائل آمریکا در جمع‌بندی سخنان خود صراحتاً اعلام کرد: مذاکره فقط یکی از ابزارهای سیاست خارجی است. ما ابزار سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اطلاعاتی داریم. اگر ابزار سیاسی در مواجهه با آمریکا نتیجه نداده، باید از ابزارهای دیگر استفاده کنیم. تنها راه جلوگیری از جنگ بعدی، هم‌صدایی کامل تمامی بخش‌های مدیریتی با مواضع قاطع رهبر معظم انقلاب و بالا بردن ملموس هزینه تجاوز برای طرف آمریکایی است.

سردار شکارچی:

ترامپ، قربانی شکست تحمیل‌شده از سوی ایران شد

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: ترامپ و همفکران بی‌خرد، تندرو و تروریست او برای نابودی ایران سربلند و متمدن وارد میدان شده بودند؛ اما در چرخشی معکوس، خود قربانی فرسایش راهبردی و شکست‌های تحمیل‌شده از سوی نیروهای مسلح سرافراز ایران شدند.

سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: تحولات سیاسی و انتخاباتی ایالات متحده آمریکا و شکست‌های پی‌درپی دولت ترامپ و هم‌حزبی‌های او در عرصه‌های مختلف، بیش از آن‌که معلول نوسانات سطحی سیاست داخلی این کشور باشد، بازتابی از یک واقعیت بزرگ‌تر و غیرقابل انکار است؛ یعنی شکست در برابر اراده ایران مقتدر.

وی ادامه داد: شکست دکترین تجاوز، ترور و فشار حداکثری و راهبردهای بی‌خاصیت نظامی واشنگتن در برابر اقتدار بازدارنده، شکننده و اراده آهنین رهبری، ملت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران که امروز بر هیچ تحلیلگر منصفی پوشیده نیست.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح تأکید کرد: سیاست‌های خصمانه سران آمریکا علیه ایران، ناکامی‌های پی‌درپی در جهان و به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، فروریختن هیمنه پوشالی ناوگان و تجهیزات نظامی آمریکای متجاوز و به بن‌بست رسیدن تهدیدات آن کشور، پایه‌های قدرت توخالی کاخ سفید را به لرزه درآورده است.

وی گفت: ترامپ و همفکران بی‌خرد، تندرو و تروریست او برای نابودی ایران سربلند و متمدن وارد میدان شده بودند؛ اما در چرخشی معکوس، خود قربانی فرسایش راهبردی، بحران‌های عمیق داخلی و شکست‌های تحمیل‌شده از سوی نیروهای مسلح سرافراز ایران و محور مقاومت شدند.

سخنگوی ارشد نیروهای مسلح ادامه داد: این شکست راهبردی سند زنده‌ای بر این حقیقت است که معادلات قدرت جهان هرگز به‌سود سلطه‌گران رقم نمی‌خورد.

به گزارش تسنیم، سردار شکارچی تصریح کرد: هر قدرتی در برابر صخره مستحکم و استوار و اراده الهی و پولادین ایران اسلامی صف‌آرایی کند، سرانجامی جز سقوط و اضمحلال در افکار عمومی جهان نخواهد داشت.

طائب: ۱۵۰ هزار بسیجی برای اجرای رزمایش ملی صرفه‌جویی در انرژی آموزش دیده‌اند

رئیس سازمان بسیج مستضعفین از اجرای طرح ملی صرفه‌جویی در مصرف برق و گاز با مشارکت ۱۵۰ هزار بسیجی آموزش‌دیده خبر داد و گفت: این طرح با هدف کاهش مصرف انرژی، جلوگیری از هدررفت منابع و کمک به رونق تولید و بهبود معیشت مردم در آینده نزدیک اجرا خواهد شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در حاشیه مراسم بازدید میدانی از اجرای طرح حکمرانی محله‌محور و مسجدمحور در یکی از مساجد جنوب تهران درباره هماهنگی‌های انجام‌شده با وزارت نیرو، وزارت نفت و شرکت ملی گاز اظهار کرد: در چارچوب این همکاری‌ها، فهرست مشترکان پرمصرف دریافت شده و ۱۵۰ هزار نفر از بسیجیان با عنوان «یاوران انرژی» آموزش دیده‌اند تا با حضور در عرصه‌های مردمی، اقدامات ترویجی و آموزشی برای اصلاح الگوی مصرف را دنبال کنند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با تشریح اهداف این طرح افزود: هدف‌گذاری ما صرفه‌جویی ۱۰۰ میلیون مترمکعبی در مصرف انرژی است. همان‌گونه که بسیجیان و جان‌فدایان در عرصه دفاعی با حضور گسترده خود رزمایش‌های بزرگی را رقم زدند، این‌بار نیز در قالب یک رزمایش ملی، برای مدیریت مصرف انرژی و جلوگیری از اتلاف منابع وارد میدان خواهند شد.

وی با بیان اینکه صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌تواند به تولید ثروت و تقویت اقتصاد کشور منجر شود، تصریح کرد: اگر بتوانیم مصرف برق در بخش خانگی را کاهش دهیم، دولت می‌تواند برق آزادشده را در اختیار واحدهای صنعتی و کارخانه‌ها قرار دهد و از این طریق زمینه افزایش تولید و رونق اقتصادی فراهم شود. همچنین بخشی از منافع حاصل از این اقدام می‌تواند در مسیر طرح‌های مواسات و حمایت از معیشت اقشار نیازمند هزینه شود.

به گزارش ایرنا از بسیج، طائب مشارکت عمومی را شرط موفقیت این برنامه دانست و خاطرنشان کرد: تحقق این هدف نیازمند همراهی مردم و اصلاح الگوی مصرف در خانواده‌هاست. در همین راستا، پایگاه‌های بسیج فعال شده‌اند تا با آموزش شهروندان، فرهنگ کاهش مصرف و پیشگیری از هدررفت انرژی را در جامعه گسترش دهند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در بخش دیگری از سخنان خود به برنامه توسعه حکمرانی محلی اشاره کرد و گفت: دوم آذرماه، شوراهای محلی در استان‌ها و مناطق مختلف کشور شکل خواهند گرفت و طرح حکمرانی محلی با فاز جدید برنامه‌ریزی، با حضور رئیس‌جمهور در سطح ملی افتتاح خواهد شد.